

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۱۹ جنوری ۲۰۱۸

وقتی دزد ها، دزدی های هم را رو می کنند!

مدتی است که احمدی نژاد، رئیس جمهور سابق رژیم جمهوری اسلامی که هشت سال در این مقام بود، کارزار علنی را علیه صادق لاریجانی که در رأس قوه قضائیه جمهوری اسلامی قرار دارد، سازمان داده و با پخش سخنانی علیه او همراه با فلم هائی از خود و تعدادی از دار و دسته اش، جلوه جدیدی از دعواهای درونی جمهوری اسلامی را در مقابل چشم همگان قرار داده است. در مقابل، صادق لاریجانی نیز از برخی از دزدی های احمدی نژاد پرده برداشت. برخوردهای این دو مهره خدمت گزار رژیم به این سوال که چرا گرگهای حاکم به جان هم افتاده و پته هم را رو می کنند دامن زده است.

در حقیقت احمدی نژاد زمانی کارزار خود علیه دستگاه قضائی به ریاست صادق لاریجانی را علنی کرد که این دستگاه با طرح یکسری دزدی ها و بچاپ بچاپ های دار و دسته احمدی نژاد افرادی مثل مشائی و بقائی و ... تلاش کرد آنها را به اتهام حیف و میل بیت المال دادگاهی کرده و به زندان بیندازد. مسلم است که موفقیت دستگاه قضائی در دستگیری احمدی نژاد و روانه کردن او به زندان امر گرانی برای احمدی نژاد بود. اما وی زرنکتر از صادق لاریجانی در آمد به این نحو که در پاسخ به فشارها و تلاشهای قوه قضائیه با جمع کردن تعدادی از کسانی که در دزدیهای وی شریکند، اقدام به افشاکری علیه رئیس قوه قضائیه و بیان برخی از دزدی ها و زمین خواری های صادق لاریجانی و برادرانش نمود و با تصویر برداری از چنین اقدامی به پخش فلم های مربوطه در فضاء های مجازی اقدام نمود. احمدی نژاد با توسل به چنین تاکتیکی در حقیقت تلاش قوه قضائیه در اقدام به اصطلاح قانونی علیه احمدی نژاد را به یک امر سیاسی و دعوا بین جناح هائی از حکومت تبدیل نمود. در تلاش برای این منظور، احمدی نژاد و دار و دسته اش به افشای صرف لاریجانی و از جمله برجسته کردن موضوع جاسوسی دختر صادق لاریجانی برای دولت انگلستان (که از مدتی پیش در رسانه های جمعی وسیعاً طرح گشته بود)، بسنده نکرده بلکه حتی اقدام به بست نشینی در شاه عبدالعظیم نمودند تا در مقابل رقیب دزد و فاسد، خود را پاک و بیگناه جلوه دهند.

مردم ایران به خوبی بر این امر که برادران لاریجانی همگی دزد و غارتگر اموال مردم می باشند، کاملاً آگاهند و می دانند که جدا از زمین های ورامین، تنها از ۶۳ حسابی که به اسم صادق لاریجانی – رئیس قوه قضائیه - ثبت شده همواره میلیونها تومان بهره این حسابها بدون نظارت دولتی به جیب وی واریز می شود. اما دار و دسته احمدی نژاد در شرایطی خود را بیگناه معرفی می کنند که اتفاقاً یکی از دزد ترین و چپاولگرترین دار و دسته های درونی جمهوری

اسلامی بوده اند. در ۸ سالی که احمدی نژاد رئیس جمهور رژیم دزد و فاسد جمهوری اسلامی بود و خامنه ای علناً از وی پشتیبانی می کرد به دلیل بالا رفتن قیمت نفت چیزی حدود ۷۰۰ - ۸۰۰ میلیارد دالر تنها از فروش نفت به دست دولت رسید که احمدی نژاد و دار و دسته اش ضمن تحویل سهم خامنه ای ، همه را به جیب زدند به طوری که وقتی وی جای خود را به روحانی می داد عملاً چیزی از آن مبلغ کلان باقی نمانده بود. حال نکته جالب توجه این است که با این که لاریجانی و وابستگان به او همه می دانند که در دوران دولتهای نهم و دهم که احمدی نژاد بر سر کار بود ، چنان حجم بالائی از منابع مالی که در بالا قید شد به اصطلاح "دود شده" و به حساب های بانکی احمدی نژاد و مؤیدینش سرازیر گشته اما امروز در برخورد به او تنها به این امر گیر داده اند که وی در جریان یارانه نقدی چیزی حدود ۷۰۰۰ میلیون تومان را به جیب زده است - که البته احمدی نژاد هم با قیافه حق به جانب پاسخ می دهد که: "من این پول را بین مردم پخش کرده ام!".

اساساً اگر به گفته ها و چگونگی افشاگری های این دو دسته دزد و فاسد در رژیم جمهوری اسلامی توجه کنیم خواهیم دید که هر دو طرف با توجه به این که دستشان کاملاً برای همدیگر رو است با دقت مواظب هستند که همه چیز هائی که از هم می دانند را طرح نکنند. این ملاحظه کاری ها از آن روست که درآمد بی سابقه دولت از نفت در زمان ریاست جمهوری احمدی نژاد بدون شک تنها به جیب دار و دسته احمدی نژاد نرفته و شخص خامنه ای و بیت رهبری و برخی دیگر از دست اندرکاران در این رژیم دزد و فاسد هم از این خوان نعمت سود برده اند. تنها نگاهی به پرونده بابک زنجانی و دزدی ها و ریخت و پاشهای این مهره سوخته جمهوری اسلامی نشان می دهد که در زمان احمدی نژاد چه حد از تالانگری در دولت نهم و دهم تحت حمایت خامنه ای صورت گرفته است.

واقعیت این است که در حکومت دزدان که هر کس تا دستش به گوشه ای از قدرت می رسد فوراً دوستان و اقوام خود را سر کار آورده و شرایط دزدی های میلیاردی را مهیا می کند ، افشاگری های کنترل شده دو طرف از همدیگر تنها با پوزخند مردمی مواجه شد که ۳۹ سال است شاهد چپاولگری دزدان حاکم بوده و به عینه شاهد اند که ویلاهای آنچنانی آنها و ماشین های آخرین سیستم "آقازاده" هاشان چگونه با چپاول اموال مردم تحت ستم فراهم شده است. مردم کوچ و بازار همواره صدها نمونه از دزدی های سردمداران جمهوری اسلامی را با فاکت های زنده با یکدیگر در میان می گذارند و از وجود ویلا های آنچنانی مسئولین دولتی برای نمونه در لواسان کاملاً مطلع می باشند. به طور کلی اگر به ادعا های دو طرف که ضمن شاخ و شانه کشیدن برای هم نهایت تلاش را به خرج می دهند که دست هم را زیاد رو نکنند، توجه شود فوراً آشکار می شود که به واقع بیشتر این موارد در گذشته هم طرح و باعث رسوائی سردمداران جمهوری اسلامی شده بود. بنابراین به اصطلاح افشاگری های دو طرف دعوا یعنی مزدوران نامبرده (احمدی نژاد و لاریجانی) نکته و عنصر تازه ای برای آنها در بر نداشت. اما طرح همان حد از واقعیت زدیها از زبان خود این به اصطلاح مسئولین دولتی نشان داد که این باور توده ها که همه سردمداران جمهوری اسلامی دزد و فاسد و دروغگو می باشند، اعتقادی درست و کاملاً منطبق بر واقعیت است.

نکته دیگری که در این میان توجه را به خود جلب می کند این واقعیت است که با این که در گذشته وقتی اختلافات جناح های درونی جمهوری اسلامی بالا می گرفت ، سازشکاران و اپورتونیستها به دفاع از یک جناح در مقابل جناح دیگر بر می خاستند، اما این بار در جریان دعوا بین احمدی نژاد و لاریجانی شاهد چنین امری نبودیم به طوری که در این دعوا کمتر کسی حاضر شده به دفاع از احمدی نژاد و یا صادق لاریجانی بر خیزد و این پشتیبانی را با تز بد از بدتر بهتر است توجیه نماید. همواره در طول حیات جمهوری اسلامی شاهد بودیم که چگونه جریانات سیاسی سازشکار و حتی آنهایی که ادعای کمونیست بودن نیز داشتند استفاده از تضادهای درونی حکومتیان را اینگونه برای خود تفسیر می

کردند که گویا باید از یکی در مقابل دیگری به دفاع برخاست. اما این بار گویا شدت رسوائی دو طرف دعوا آنقدر بالاست که کسی جرأت نکرده از یکی در مقابل دیگری دفاع کند. از بدو روی کار آمدن جمهوری اسلامی، مردم ما شاهد اختلافاتی جدی در میان دست اندرکاران این رژیم بوده است: دعوی بازرگان با بهشتی، حزب جمهوری اسلامی با بنی صدر و بعدها خط امامی ها با حجتیه ئی ها و در دهه ۷۰ اصلاح طلبان با اصول گرایان و یا در دوران احمدی نژاد طرفداران وی با طرفداران میر حسین موسوی و کروبی از نمونه های اختلافات درون حکومت بوده اند. در این میان کسی فراموش نکرده است که در اپوزیسیون جمهوری اسلامی همواره نیرو ها و سازمانهایی بودند که یکی از جناح های حکومتی را بر دیگری ترجیح داده و از وی دفاع می کردند، مثلاً سازمان اقلیت پس از انشعاب از اکثریت به دلیل آن که معتقد بود در بین دسته بندی های درونی جمهوری اسلامی حزب جمهوری اسلامی دست بالا را دارد و به همین دلیل باید این حزب را آماج حملات قرار داد، به جای شعار مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی تنها به شعار مرگ بر حزب جمهوری اسلامی بسنده می کرد. حزبی که بعد ها به فرمان خود خمینی فعالیتش متوقف شد. و یا جریان اتحادیه کمونیستها که بعداً خود را سربداران نامید در تضاد بین بنی صدر با دیگر دست اندر کاران رژیم حاکم جانب بنی صدر را گرفت. این قبیل نیروها اساس کار خود را بر بند بازی میان دو جناح در درون حاکمیت قرار داده و درک نمی کردند که اولاً این اختلافات به هیچ وجه از آن اهمیتی که آنها برایشان قائلند برخوردار نبودند، و مهمتر از آن اساساً شیوه برخورد با تضاد های درونی طبقه حاکمه و هیأت حاکمه بند بازی فیمابین آنها نبوده و نمی باشد.

در دعوی گرگ ها همان قدر که انکار وجود این اختلافات برخوردارند نادرست می باشد تقویت یک جناح علیه جناح دیگر هم خطاست. تجربه نشان داده است که همواره باید در حالی که در جهت نابودی رژیم ضد خلقی حاکم با هر جناح و دسته اش گام بر داشت در عین حال از هر فضائی هم که دعوی گرگ ها ایجاد می کند درست در همین راستا و همچنین در راستای نابودی نظم اقتصادی- اجتماعی ظالمانه حاکم سود جست.

امروز، در ارتباط با دعوی احمدی نژاد با صادق لاریجانی در حالی که این دزد های حاکم به هم دندان نشان می دهند و گوشه های کوچکی از چپاولگری های یکدیگر را رو می کنند باید بر اساس رهنمود فوق الذکر با آن تضاد و اختلافها برخورد نمود. واقعیت این است که این دندان نشان دادن هیچ هویت مردمی، مترقی نه برای لاریجانی ها ایجاد می کند و نه برای دار و دسته احمدی نژاد. دعوی آنها دعوی دزدهائی است که سر مال دزدی به جان هم افتاده اند، مالی که از جیب مردم ما دزدیده شده است و باید با تلاش جهت سرنگونی کلیت جمهوری اسلامی به صاحبان اصلی اش که جز کارگران و توده های رنج دیده ایران نیستند، بازگردانده شود.

به نقل از: پیام فدائی، ارگان چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۲۲۲، آذر ماه [قوس] ۱۳۹۶